

جهان‌شناسی

دانشگاه تهران

شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۲

شماره ۳۹۸۶

www.fdn.ir

فردین

www.fdn.ir

فردین

FARHIKHTEGANDAILY



یک توقف کوتاه در پله یکم؛ از همان‌ها که معمولاً وقتی سرعت مغزش به پاهای کم‌رقتش نمی‌رسد، در قاب دوربین هائیتی می‌شود. کمی بالاتر دو دست که هیجان‌زدگی‌اش را به نمایش بگذارد و پایین آمدن از ۱۲ یا ۱۳ پله بعدی بدون زمین خوردن. ۱۰ قدم از پله‌های هواپیمای ایر فورس وان یا هواپیمای شماره یک نیروی هوایی آمریکا فاصله می‌گیرد تا بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی او را در آغوش بکشد. این پراهمیت‌ترین بخش سفر جو بایدن رئیس جمهور آمریکا به سرزمین‌های اشغالی بود. بایدن در این سفر از رژیم صهیونیستی تمجید کرد. او بر حق آنچه دفاع از خود در برابر حماس می‌خواند، تاکید کرده و بر تداوم حمایت دولتش از تل‌آویو نیز تصریح کرد. این جملات انگیزشی در رسانه‌ها بازتاب بی‌نظیری پیدا کرد اما در میدان، نه. برای بیان این جملات، بایدن نیاز به رنج سفری این چنین طولانی نداشت. او می‌توانست این اظهارات را از کاخ سفید بیان کند و در وقتش صرفه جویی و ریسک سفر را کم کند. توماس شوازرت، مورخ دانشگاه واندربیلت آمریکا می‌گوید این سفر نمادین قرار بود نشان دهد که «اسرائیل و نگرانی‌های اسرائیل تا چه حد در سیستم سیاسی آمریکا گنجانده شده‌است.» از همین رو، پس از پایان این سفر، مروان بشاره، تحلیلگر ارشد الجزیره در مقاله‌ای این پرسش را مطرح کرد که «پرزیدنت بایدن تمام راه را به اسرائیل رفت تا نخست‌وزیر نتانیاهو را در آغوش بگیرد، اما او چه کاری انجام داده است؟»

تحلیلگر الجزیره برای آنکه نشان دهد سفر به سرزمین‌های اشغالی چیزی جز یک نمایش نبوده‌است، آن را با سفر بایدن به اوکراین در اوایل سال جاری قیاس کرده‌است؛ «این دومین باری بود که رئیس‌جمهور آمریکا از یک منطقه جنگی که تحت کنترل نیست، بازدید می‌کرد.» بشاره با اشاره به اینکه در سفر بایدن به اروپای شرقی، رئیس‌جمهور آمریکا با موفقیت توانست «اتواراعلیه روسیه گرد هم آورد»، به سفرش به فلسطین اشغالی پرداخت و نوشت سفر بایدن به خاورمیانه بالغو نشست برنامه‌ریزی شده سران کشورهای عربی و آمریکا در اردن، پس از بمباران بیمارستان المعدناتی لغو شد؛ هبران عرب بمباران بی‌رویه غزه توسط اسرائیل را محکوم کردند و پیشنهادهای آمریکا برای ایجاد کریدور بشردوستانه را که عملاً منجر به اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین‌شان می‌شود، رد کردند. همچنین درگیری‌های مرزی بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل تشدید شد.

در جریان همین سفر، بایدن رژیم صهیونیستی را از تکرار اشتباهات آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برحذر داشت، نسبت به اشغال مجدد غزه هشدار داد و آن را «اشتباهی بزرگ» خواند. بایدن پس از بازگشت از سفر، مجدداً به کلمات پناه برد و ضمن حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل، قول داد همیشه از اسرائیل حمایت کند، بدون اینکه امتیازی بگیرد. او همچنین نتوانست

رئیس‌جمهور آمریکا به سرزمین‌های اشغالی رفت اما اتفاقی نیفتاد

سفر بی‌خاصیت بایدن

به یک دستاورد مهم سفرش اشاره‌ای بکند زیرا به نظر می‌رسد استراژی او شکست خورده‌است و شرایط به شکل دیگری در حال پیشروی است. بایدن در شرایطی به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده بود که پیش از ورود او، آمریکا با هدف حمایت از تل‌آویو دو ناو جنگی‌اش را به منطقه اعزام کرده بود. همچنین این کشور ضمن در اختیار قرار دادن زرادخانه خود در فلسطین اشغالی به صهیونیست‌ها، حداقل پنج محموله تسلیحات نظامی را نیز به تل‌آویو ارسال کرد. طراحی صهیونیست‌ها در مقابل با ضربه سخت ۷ اکتبر، در گام نخست حملات گسترده و کور هوایی و در گام دوم ورود زمینی به غزه و نابودی مقاومت اسلامی در غزه بود. درحالی‌که رسانه‌های غربی افکار عمومی را به نفع صهیونیست‌ها مدیریت کرده بودند و فضا برای تداوم جنایت‌های این رژیم مهیا بود اما عملیات زمینی از زمانی به زمانی دیگر حواله داده شد تا اینکه اواسط هفته گذشته، سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد که حمله زمینی «ممکن است چیزی متفاوت از آنچه شما فکر می‌کنید» باشد. آنها مدعی شدند این عملیات ممکن است دیرتر شروع شود و بیشتر طول بکشد.

تغییر راننده ماشین جنگی

رویکرد جدید رژیم صهیونیستی، بیش از هر چیز ناشی از دو عامل است؛ اول «نا توانی در نفوذ زمینی» دوم «تغییر استراژی». آنها یک دهه پیش در سال ۲۰۱۴ با همین شیوه یعنی بمباران هوایی و سپس تهاجم زمینی، در تلاش برای ضربه زدن به مقاومت بودند اما گردان‌های پیاده‌نظام تل‌آویو متحمل خسارات سنگینی از مین‌های ضد تانک، تکت‌تریاندزها و کمین‌های مقاومت شدند. در روزهای اول جنگ ۲۰۲۳، روزنامه عبری معاریو اعلام کرد که رژیم، ۱۰۰ هزار نیروی نظامی در اطراف غزه مستقر کرده و برای تقویت آنها ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره را نیز فراخوانده‌است. پس از صدور این فراخوان، نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسبق رژیم برای تشویق صهیونیست‌ها، خود را به یگان‌های ذخیره معرفی کرد. در همین حین مقامات نظامی آمریکایی به صهیونیست‌ها نسبت به دو موضوع تعداد نیروی مورد نیاز و مدت زمان جنگ هشدار دادند. آنها گفتند که ورود زمینی به غزه ممکن است ماه‌ها طول بکشد. علاوه بر این، برای جنگ رژیم باید حداقل ۳۶۰ هزار نیروی ذخیره خود را به خدمت بگیرد. روز پنجشنبه عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه اینترنتی رای‌الیوم افشاگری جیبیی پیرامون فراخوان صهیونیست‌ها کرد. او گفت که علی‌رغم تبلیغات فراخوان و خطیر بودن شرایط، تل‌آویو تنها «موفق شده ۲۰ درصد

ادعای پیشین خود، یعنی نابودی حماس به‌طور کامل عقب‌نشینی‌کنند. روز چهارشنبه‌الی کوهرن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی گفت که اسرائیل احتمالاً به‌دنبال «ایجاد یک منطقه حائل در اطراف غزه‌است، نه اشغال کامل این سرزمین.» البته روز گذشته یوئل گالانت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی مدعی شد جنگ علیه غزه متشکل از سه مرحله و هدف از آن «نابودی جنبش حماس و ایجاد نظام امنیتی جدید در نوار غزه» است. فرماندهی میدان این عملیات توسط آمریکایی‌ها، انتقادهایی را به‌همراه داشته‌است، به‌عنوان نمونه ناداوا ایال، تحلیلگر اسرائیلی در روزنامه‌یادبعوت آحارونوت نوشت که آرئیل شارون عادت داشت که می‌گفت: «ما به‌تنهایی از خود دفاع خواهیم کرد.» اینها ارزش‌هایی نیستند که نتانیاهو در چند روز گذشته مطرح کرده‌است. به‌نظر می‌رسد او آرزو دارد پنجاه‌ویکمین ایالت ایالات متحده باشد. تحولات دو هفته اخیر، به خوبی بیانگر تغییر توازن قوا در منطقه به نفع محور مقاومت است. صهیونیست‌ها با وجود جنایت‌های جنگی و نسل‌کشی فلسطینی‌ها، هنوز آمادگی لازم برای ورود به غزه را ندارند. از سوی دیگر درگیری‌های پراکنده در شمال، آنها را ناچار کرده‌تاصهیونیست‌ها از مناطق مرزی دور کنند. صهیونیست‌ها با تهدید ساکنان شمال نوار غزه به خروج از این منطقه و کوچ اجباری‌شان به سمت مناطق جنوبی‌تر و همچنین نهادم ساختمان‌ها و تأسیسات این مناطق، احتمالاً قصد دارند به بخش محدودی از غزه وارد شوند تا بتواند بخشی از آبیروی از دست رفته خود به دلیل حمله هفتم اکتبر را جبران کند. مشخص نیست در روزها یا حتی ساعات آینده چه اتفاقی رقم خواهد خورد اما مشخص است که حتی جنایت هم نمی‌تواند اوضاع را به نفع رژیم صهیونیستی برگرداند.

اسرائیل یامداد روز جمعه غزه را بمباران کرد و مناطقی را در جنوب که به فلسطینیان گفته شده بود در آنجا امنیت پیدا کنند، هدف قرار داد.
فلسطینیان در غزه از حملات هوایی شدید در خان یونس در جنوب خبر دادند.
امبولانس‌ها حامل مجروحان مرد، زن و کودک به دومین بیمارستان بزرگ غزه، که مملو از بیماران و افرادی بود که به دنبال سرپناه بودند، سرآزیز شدند



صهیونیست‌ها چگونه فلسطین را از دست می‌دهند؟

گرفتند؛ اتفاقی که در جنگ‌های گذشته تقریباً اتفاق نیفتاده بود؛ پیش‌از جنگ سال ۲۰۰۶ تنها صدام حسین به دنبال مواجه با حمله آمریکا از روی استیصال چند موشک به سمت رژیم پرتاب کرد که در نهایت با پیروزی آمریکا همراه بود. این حملات نتایجی به همراه نداشتند. پس از شکست در جنگ ۲۰۰۶ و تا قبل از جنگ طوفان الاقصی صهیونیست‌ها درگیری‌های روبه‌رشدی را با مقاومت تجربه کردند اما قطعیتی در این خصوص وجود نداشت، با این‌حال روند فکر کردن به مهاجرت معکوس روبه‌رشد بود. موسسه تحقیقاتی ERI در تل‌آویو روز ۲۶ تیر ماه سال جاری (۱۷ جولای ۲۰۲۳)، چهار ماه قبل از جنگ، اعلام کرد ۵۴ درصد جوانان صهیونیست به خروج از سرزمین‌های اشغالی فکر می‌کنند؛ درحالی‌که این میزان در گذشته ۲۴ درصد بوده‌است. فراتر از ایده خروج، تعداد زیادی از صهیونیست‌ها وارد اقدامات عملی نیز شده‌اند. روزنامه آنلاین تایمز اسرائیل، روز ۴ مرداد سال جاری (۲۶ جولای ۲۰۲۳)، سه ماه قبل از جنگ، اعلام کرد ۲۸ درصد صهیونیست‌ها درصدد بررسی خروج از سرزمین‌های اشغالی هستند. در اندک اطلاعات موجود در این خصوص، چندی قبل سرویس خدمات مهاجرتی کشور پرتغال اعلام کرده که ۶۱ هزار صهیونیست برای کسب شهروندی این کشور از ابتدای سال جاری میلادی، درخواست داده‌اند. فراگیری ایده خروج از سرزمین‌های اشغالی، گسترش بررسی خروج از رژیم که نشان‌دهنده حرکت «ایده» به سمت «عملی شدن» است و نهایتاً درخواست کسب شهروندی به کشورهای دیگر که نشان‌دهنده برداشتن گام نهایی است، همه آتکرامی‌کنند حتی تا پیش‌از طوفان الاقصی، طوفانی بزرگ پایه‌های رژیم را درگیر خود ساخته و پروژه مقاومت برای تضعیف شرایط سکونت به نقاط حساسی رسیده بود. این مساله اما با وقوع جنگ شکل دیگری یافته است.

طوفان الاقصی وتضعیف شرایط سکونت

منطقه غزه به دو بخش نوار غزه که محل سکونت فلسطینی‌ها به حساب می‌آید و همچنین غلاف غزه که شهرک‌های صهیونیست‌نشین در آن واقع شده و اطراف نوار غزه را فراگرفته‌اند، قابل تقسیم است. طی مرحله نخست طوفان الاقصی، شهرک‌های منطقه غلاف غزه به سرعت به تصرف مبارزان فلسطینی درآمد و طی درگیری‌ها دست‌کم دو تا سه هزار صهیونیست از تقریباً ۱۰۰ هزار صهیونیست حاضر در این منطقه به



قدرتمندترین ارتش‌ها برای تسلط بر نقطه‌ای، ناچار به تصرف یک جغرافیا روی زمین هستند. این اشغال یا با اعزام سربازان محقق می‌شود یا با سکونت سربازان. در مدل نخست یعنی اعزام سربازان برای اشغال، ارتش‌ها به جغرافیای دشمن هجوم برده و بر جمعیت آن حکومت می‌کنند بدون آنکه خود جزئی از جمعیت شده یا درصدد پاکسازی جمعیت برآیند. اشغال فرانسه توسط هیتلر، اسپانیا توسط ناپلئون یا افغانستان و عراق توسط آمریکا همگی از طریق اعزام سربازان صورت گرفت. در اشغال از طریق سکونت سربازان، نظامیان همراه خانواده‌هایشان به خاک اشغالی منتقل شده و در آن ساکن می‌شوند. در این مدل، سربازان و خانواده‌هایشان بخشی از جمعیت منطقه اشغالی شده و حتی گاهی درصدد پاکسازی کامل منطقه هستند تا خود به‌طور کامل جایگزین جمعیت بومی شوند؛ در این صورت جمعیت بومی به دو قسمت تبدیل شده و قسمت نخست کشته شده و بخش دوم نیز برای کشته نشدن گریخته و آواره می‌شوند.

اشغال ایران توسط اسکندر مقدونی، تصرف قاره آمریکا توسط اروپائیان و فلسطین توسط صهیونیست‌ها از طریق سکونت سربازان صورت گرفته‌است. در اشغال ایران توسط اسکندر مقدونی، یونانیان منتقل شده به خاک ایران به بخشی از جمعیت تبدیل شدند اما در هجوم اروپائیان به قاره آمریکا آنها با نابودی جمعیت بومی، خود به‌طور کامل جایگزین آنها شدند. در اشغالگری‌های نوع‌نخست‌که مبتنی بر اعزام سربازان است، برای پایان دادن به اشغالگری تمام جنگ در هدف قرار دادن سربازان، پادگان‌ها و امکانات نظامی محدود می‌شود تا قدرت اعزام‌کننده سربازان، قادر به ادامه نبرد نباشد، همانند عقب‌نشینی هیتلر از فرانسه، بلژیک و هلند پس از انجام عملیات نورماندی توسط متفقین. در چنین عملیات‌هایی، امکان دارد نظامیان اشغالگر به سرعت سرزمین‌های اشغالی را رها کنند. با این حال وضعیت درخصوص اشغال از طریق سکونت سربازان، اندکی متفاوت‌تر است. بخشی از این تفاوت به ماهیت اشغال بازمی‌گردد. بیرون راندن سربازانی که در سرزمین‌های اشغالی ساکن شده و خانواده خود را همراه خود آورده‌اند و فرزندانشان به دلیل به دنیا آمدن در سرزمین‌های اشغالی به آن

